

«معنای» زندگی

در این جهان که گرم ستیزند، هست و نیست
پُرسی اگر که زندگی ما برای چیست
گویند تو را، که نیست برای قلندری
هنگامهٔ زمان گذراندن به بیخودی
سرتاسر حیات گرفتن به سَرَسری

از بهر جمع خواسته و ساز و برگ نیست
از بهر مرگ و هستی آن سوی مرگ نیست
نی بهر ماتم است، نه از بهر اضطراب
نی تن زدن ز رنج و هراسیدن از عذاب

معنای زندگی است، نه از شاخسار عمر
با ریشه های بیم، در آویختن به آز
خواری کشیدن از همه درگیر و دار عمر
از بهر آن که عمر شود، اندکی دراز

معنای زندگی نه آرامش خموش
نی بانگ های و هوی، به گرد وجود خویش
نی پا کشیدن است ز میدان کار و کوش
نی راه کار و کوش، گزیدن به سود خویش

معنای زندگی است نبردی که از آن نبرد
از بند واره‌ند کسانی که بنده اند
بهروزتر زیند، کسانی که زنده اند.

احسان طبری